

فرادید

رویاری معروف دکتر محمد مصدق و حسن وثوق (وثوق الدوله) در جلسه روز ۲۹ شهریور ۱۳۰۵ مجلس شورای ملی، موضوعی جالب و خواندنی است.

دکتر مصدق در این جلسه که برای اخذ رأی اعتماد به دولت حسن مستوفی (مستوفی الممالک) تشکیل شده بود، نسبت به صلاحیت دو تن از وزرای پیشنهادی، یعنی وثوق الدوله وزیر عدلیه و فروغی وزیر جنگ اعتراض کرد و در انتقاد از عملکرد سابق وثوق الدوله، او را خیانتکار و وطن فروش خواند. وثوق نیز به ایرادهای او پاسخ داد و در انتها مصدق را تلویحاً متهم کرد که به قصد عوامفریبی این مطالب را مطرح کرده است.

در این میان سید حسن مدرس نیز که در آن شرایط (اوایل سلطنت رضاشاه) وارد شدن رجال استخوانداری چون وثوق به دولت را مفید می دانست به تلویح از صلاحیت وثوق الدوله دفاع کرد. بررسی گفت وگوهای این جلسه مجلس به آشنایی با مشی سیاسی هر یک از این مردان نامدار عالم سیاست ایران کمک می کند. (این بررسی بر اساس متن گفت وگوهای جلسه مذکور که در کتاب «مدرس در پنج دوره تقنینیه» به کوشش محمد ترکمان) نقل شده، انجام گرفته است.

مستوفی الممالک که از پیش می دانست مصدق قصد دارد با مطرح کردن موضوع قرارداد ۱۹۱۹ به صلاحیت وثوق الدوله اعتراض کند در ابتدای جلسه از او خواست از مطرح کردن اعتراضش صرف نظر کند. مصدق اعلام آمادگی کرد چنانچه شخص رئیس الوزراء اطمینان دهد وزرا رفتارهای مورد اعتراض گذشته را تکرار نخواهند کرد، از ایراد انتقاد صرف نظر کند.

مستوفی در مورد وزرا اطمینان داد و گفت که مسئولیت اعمال ایشان را می پذیرد. اما در این هنگام وثوق الدوله وارد بحث شد و گفت: «[اجازه بدهید] هر ایراد و اعتراضی [که دکتر مصدق] دارند بفرمایند بنده هم جواب عرض می کنم و بالاخره معلوم می شود بنده صلاحیت نشستن روی این کرسی را دارم یا نه.» آنگاه مصدق با انتقاد از حضور اشخاصی چون ذکاءالملک فروغی و وثوق الدوله در فهرست اعضای کابینه آغاز سخن کرد و در میان سخنانش گفت: «یکی از شب های اخیر که آقای رئیس الوزراء به منزل من آمدند و فرمودند با آقای وثوق الدوله مخالفت نکنم عرض کردم به شرط اینکه آقای وثوق الدوله هم در مجلس اظهار ندامت فرمایند. در جواب من فرمودند عقیده ایشان این است که قرارداد در صلاح مملکت بسته شده و حاضرند در مجلس از این عقیده دفاع نمایند...»

چون جزائیون معتقدند که اگر کسی چند فعل خلاف نمود باید او را برای فعلی تعقیب کرد که مجازاتش در قانون بیشتر باشد، بنده به بزرگترین خیانتی که ایشان مرتکب شده اند می پردازم که قرارداد است.» مصدق آنگاه به انتقاد شدید از عملکرد وثوق الدوله در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ با

انگلستان پرداخت و استدلال کرد حتی اگر هیچ راهی برای گریز از شکست در برابر بریتانیا نبود باز هم دولت ایران نباید تن به تسلیم می داد. (او بعداً در جریان نهضت ملی شدن نفت ایران نشان داد به این عقیده پایبند است.)

مصدق در بخشی از نطق خود با اشاره به دریافت رشوه توسط وثوق الدوله در برابر انعقاد قرارداد، فریاد برآورد: «ای نمایندگان! چشم ملت ایران سیاه شد بس که از بعضی رجال خطاکاری و خیانت دید و ای برگزیدگان! همان چشم از انتظار سفید شد از بس محاکمه رجال وطن فروش را ندید... در مملکتی که ملتش این اندازه فراموش کارند از خائنین خیانت به همه سرایت می نماید.»

پس از مصدق، نوبت به نطق سید حسن مدرس رسید. او با بر شمردن مشکلاتی که پس از جنگ جهانی گریبانگیر ایران شده بود گفت: «کابینه آقای وثوق الدوله آمد، قریب يك سال طول کشید، يك نظم صوری در مملکت برقرار شد... بعد مسئله قرارداد پیش آمد... در موضوع قرارداد هم در این مملکت اختلاف شد... خودم صاحب عقیده مخالف بودم و همه آقایان هم بودند که مخالفت کردم و کمر مخالفت بستم. خیلی هم سخت بود. بگیروبیند بود. صاحب عقاید مختلف بودند. ولیکن خدا را به شهادت می طلبم که تا حال به معتقدین قرارداد يك لفظ توهین آمیز نه حضوراً نه غیاباً نگفته ام و نخواهم گفت.»

زیرا آن را نظر سیاسی می دانم. اما من خود را مکلف می دانستم با کسی که این قرارداد را بست جنگ کنم، جنگ هم کردم و زدم از میدان درشان کردم. اگر هم از میدان در نمی رفتند تلفشان می کردم، ولو اینکه عقد فضولی بود... خیلی از رجال رفته اند و به خیالی از این کارها کرده اند، ولی مالک مال ماییم که اینجا نشسته ایم (یعنی نمایندگان مجلس).»

او در مورد دریافت رشوه توسط وثوق الدوله نیز اظهار بی اطلاعی کرد. رئیس مجلس پس از نطق مدرس اعلام تنفس کرد. ساعتی بعد جلسه مجلس ادامه یافت و وثوق الدوله از خود دفاع کرد. او گفت: «مدعی عصمت و مصونیت از خطا نیستم... ممکن است بنده در تشخیصات خودم سهو کرده باشم ولی اطمینان می دهم که هیچ وقت به عمد نخواستم ضرری به مملکت متوجه کنم بلکه مقصودم در هر حال جلوگیری از ضرر بوده است.»

وثوق وضعیت اسفبار دولت را در جریان جنگ جهانی اول و پس از آن تشریح کرد و گفت: «تحصیل هر نوع عایدی در آن موقع، حتی توسل به استقراض خارجی غیر مقدور بود. بنده در شدیدترین موقع جریان این قضایا و در وقتی که هنوز جنگ اروپا ناتمام و نتیجه اش نامعلوم و تمام عوامل بدبختی در ترقی بود، باز مامور شدم که بدنامی های تازه برای خودم ذخیره کنم... اضطرار حقیقی داعی شد که یا مملکت را تسلیم حوادث بکنیم و از معرکه بگریزیم یا با مرکز واحدی که در آن موقع استمداد از آن ممکن بود (انگلستان) داخل مذاکره شویم و يك قراری بگذاریم.»

او دریافت رشوه را تکذیب کرد و گفت اگر دکتر مصدق برای این موضوع پول گرفته است، من هم گرفته ام. (اسنادی که بعدها آشکار شد دریافت رشوه توسط وثوق و دو وزیر کابینه اش را در جریان قرارداد تایید کرده است).

وثوق الدوله در پایان سخنانش خطاب به مصدق به طعنه گفت: «محصلین و مبتدیان سیاست در

دوره تحصیلات خودشان يك دوره درس وجاهت و جنت مكان شدن لازم دارند بخوانند و ایشان (دکتر مصدق) اگر فعلاً در آن دوره تحصیلات خودشان واقع شده اند بنده عرضی ندارم در دوره تحصیلات خودم اصلش از این کلاس صرف نظر کردم... در مسائل عالیه مملکتی آیا بایستی دماگوژی (عوامفریبی) کرد یا بایستی شاگرد بنده شد (یعنی از خیر خوشنامی گذشت).»

رویاروی مصدق و وثوق

تاریخ کپی و تهیه ی فایل پی.دی.اف.: ۳۰ مرداد ۱۳۹۶ (۲۱ آگوست ۲۰۱۷، ۲۸ ذالقعده ۱۴۳۸)